

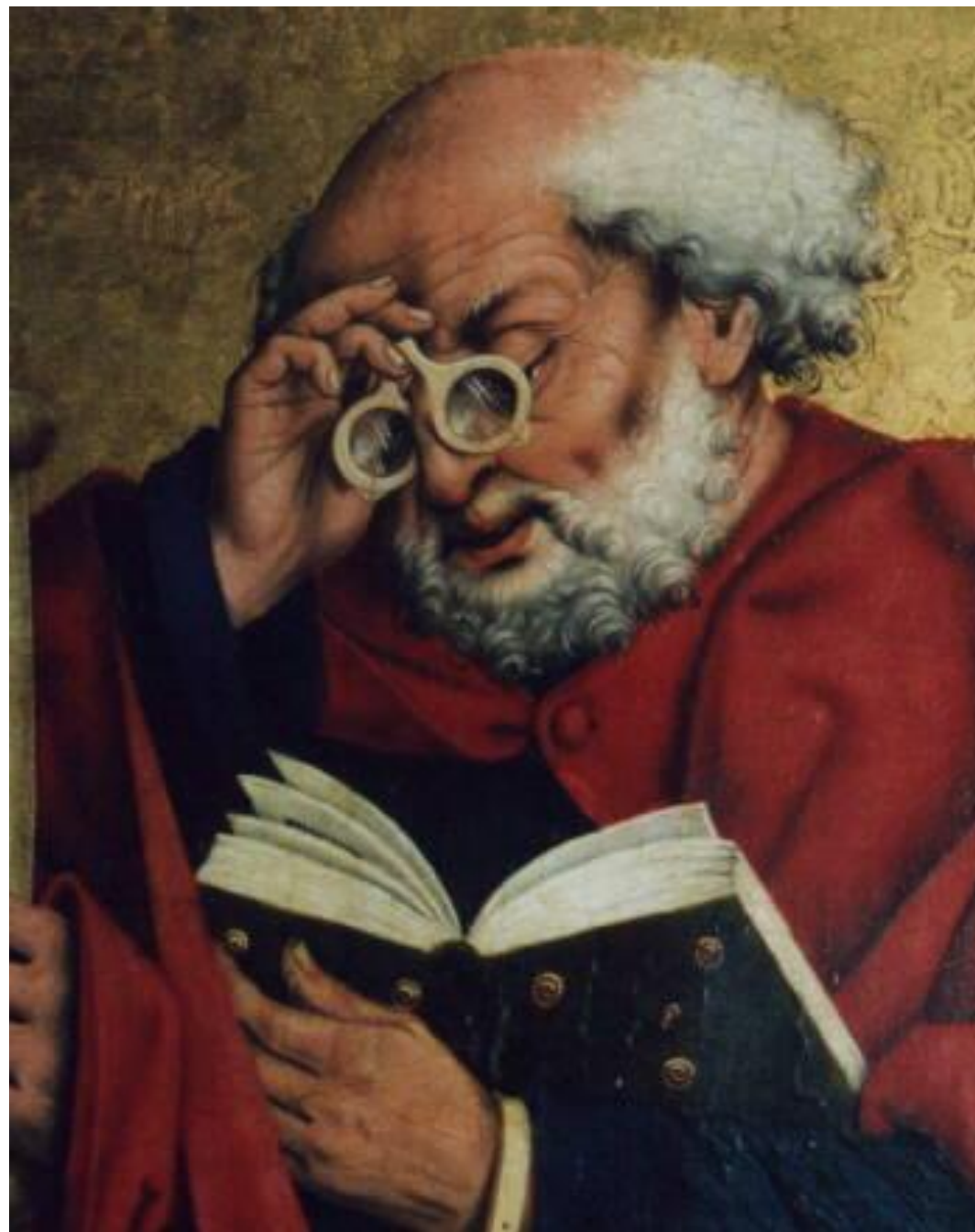
# مژده گوی فردا

بررسی زندگی و اندیشه‌ی راجر بیکن

(۱۲۹۴-۱۲۱۴ میلادی)

نوشته: احسان طبری

کتابخانه «به سوی آینده»





# مژده گوی فردا

بررسی زندگی و اندیشه‌ی راجر بیکن (۱۲۱۴-۱۲۹۴ میلادی)





خوشتر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران مولوی

در تاریخ فلسفه، دو "بیکن" شهرت یافتند: یکی راجر بیکن و دیگری فرانسیس بیکن. راجر در سده‌ی سیزدهم و فرانسیس در سده‌ی شانزدهم و هفدهم می‌زیست (۱۵۶۱-۱۶۲۶). با آن‌که روزگار بین نقش و عمل کرد تاریخی آن دو، همانندی‌هایی پدید آورده است، ولی به هر جهت، به هر یک، شخصیت‌های تاریخی، انسانی، فکری و اخلاقی جداگانه‌ای داده است.

هدف ما در این بررسی مقایسه‌ی این دو متفکر نیست، بلکه می‌خواهیم به داستان زندگی و سیر اندیشه‌ی راجر بیکن پردازیم که در سحرگاه دوران پر جوش و خروشی می‌زیسته که بعدها به نوزائی علم و هنر و اصلاح مذهبی و پیدایش اندیشه‌ی رهائی اجتماعی و سرانجام فروریختن نظام فئودالی ختم شده است.





## کتابخانه «به سوی آینده»

چهره‌ی عبوس این راهب مرتاض و مبارز، که چهارده سال از دوران پیری را در سیاهچال دیرِ فرانسیسکن در اکسفورد زندانی بود، ناصر خسرو علوی قبادیانی ما را به خاطر می‌آورد. نگارنده‌ی این سطور از دوران جوانی مجذوب جسارت و روشن بینی و عصیان‌گری این چهره شد و در «شکنجه و امید» از او و سخنانش یاد کرده است. اینک در سر‌اشیب عمر به او باز می‌گردد تا با تفصیل و شاید با اطلاع بیشتری از راجر بیکن سخن گوید و او را که به حق فیلسوف و طبیعت‌آزما و اندیشه‌پرداز نوآور سده‌ی میانه و مبشر اسلوب تجربی و مژده‌گوی فردای تاریخ نام داده‌اند، به سهم خود بشناساند.

راجر بیکن در سده‌ی سیزدهم (سده‌ای پر بار از حوادث در عرصه‌های سخت مختلف) می‌زیسته و در هیاهوی عصر خود توانست از خلال زمان، عصر دیگری را (که شاید جامعه‌ی رشدیافته بورژوائی امروز معرف آنست) ببیند، یعنی زمانی که یک جمهوری فارغ از شاه و فتودال، به اوج ترقی فنی دست می‌یابد و معجزات علم و ماشین را متجلی می‌سازد. البته این جمهوری از دیدگاه بیکن با نظارت پاپ و به‌اتکاء همه‌پرسی، می‌باید اداره شود.





## کتابخانه «به سوی آینده»

راجر بیکن هشتاد سال، تقریباً از آغاز تا انجام سده‌ی سیزدهم، علی‌رغم فقر و دربدری و تفکیر و حبس و شکنجه و تحقیر و معارضه‌های مؤذیان‌ه‌ی دشمنان که همکارانش بودند، زیسته و به‌تمام معنی، فرزند قرن سیزدهم است. درست در این قرن فشار جهان نو و جهان کهنه از دوسو بالا گرفت و روندی آغاز شد که تنها طی چند قرن بعد توانست به پیروزی برسد و جهان فتودالی اروپائی را با تمام مشخصاتش به مفاک عدم بفرستد.

جریان شگفت‌انگیز تاریخ چنین است که تکامل اجتماعی در سراسر انسانیت دارای حرکت موزون و هم‌زمان نیست. مثلاً در حالی که تمدن در افریقای سیاه و آمریکای سرخ پوست در سطح نظامات پدرشاهی قبیله‌ای بود، در آسیا و شمال آفریقا، از این سطح فراتر رفت و بردگی و فتودالیسم شرقی را گذراند، ولی در اروپا، به‌ویژه اروپای غربی (شاید به‌علت شرایط مساعد جغرافیائی و ارثیه‌ی غنی فرهنگ رمی - یونانی) تاریخ پیشتر رفت. دیگ تمدن جوشید و جوشید تا فتودالیسم را از مراحل بدوی آن خارج ساخت و به حالات رشدیافته‌تر رساند و سرانجام تکامل فلسفه و علم و فن و نبردهای عظیم اجتماعی و





## کتابخانه «به سوی آینده»

فکری، پوسته‌ی سخت و ارتجاعی فئودالی را، علی‌رغم عناد خون‌آلودش، درهم شکاند و از قرن شانزدهم به بعد، ابتدا در هلند و انگلستان، و سپس در آمریکا و فرانسه، جوانه‌های نظام سرمایه‌داری را رو به رشد سریع برد و عنصری نو بر پایه‌ی بهره‌کشی و مالکیت خصوصی ولی در چارچوب اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فکری دارای کیفیت نو پدید آورد: عصر سرمایه‌داری.

این نظام زایش دردناک و طولانی داشت و می‌بایست پای‌داری کین‌جویانه‌ی پاپ‌ها، فئودال‌ها، پادشاهان مستبد، اشرافیت مغرور و مداخله‌گران فاتح را در نبردهایی مکرر در مکرر با تحمل ده‌ها و صدها شکست و عقب‌نشینی، طی چند سده به تدریج درهم شکند و خودجوشی رنگین و پرمایه‌ای را بگذراند و به همین جهت تاریخ سده‌های میانه‌ی اروپا و به‌ویژه اروپای باختری بسی جالب و متنوع و پر حرکت و زاینده است و یک گالری عظیم از چهره‌های نیک و بد پدید آورده که نمودار فصولی لرزاننده از زیست و تلاش انسان بر این کره‌ی لاژوردی است.





## کتابخانه «به سوی آینده»

خوشبختانه، ما در زبان فارسی (تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد) دو اثر خلاصه ولی پُر مضمون، که هم خوب نوشته و هم خوب ترجمه شده است درباره‌ی تاریخ قرون وسطی در دست داریم<sup>۲</sup> در گذشته ترجمه‌هایی از اثر مشترک آلبر ماله و ژول ایساک از فرانسه و اثر بزرگ مورخان آمریکائی ویل دورانت و همسرش از زبان انگلیسی در همین زمینه انجام گرفته که به نظر اینجانب، به علت فقر اسلوبی و نقص تحلیلی، ارزش زیادی ندارند و حال آن که متضمن تفصیلات بیشتری هستند. ولی دو کتاب نامبرده، تاریخ به معنای علمی و جدی کلمه است، اگر چه نقص آن اختصار است و مثلاً درباره‌ی راجر بیکن اطلاعاتی تنها در چند سطر می‌دهد. ولی برای کسانی که مایلند معلومات کلی کسب کنند، آثاری است خوب و حتی بسیار خوب.

<sup>۲</sup> - این دو اثر عبارت است از: «تاریخ قرون وسطی» زیر نظر پرفسور کاسمنسکی، ترجمه‌ی آقایان انصاری و مؤمنی، نشر اندیشه (به عنوان جلد چهارم «تاریخ عمومی») و «تاریخ سده‌های میانه» اثر مستقل، نوشته‌ی دانسکوی و گسالوا، ترجمه‌ی آقای رئیس‌نیا، نشر پیام.





برای آن که تصویری از محیط تاریخی راجر بیکن به دست دهیم، با مراعات اختصار، منظره‌ای از مهم‌ترین مشخصات این عصر ترسیم می‌کنیم.

در سده‌ی سیزدهم شهرهای اروپای غربی آغاز رشد و کسب شخصیت گذاشتند. در بیزانس (روم شرقی) وجود شهرهای اروپای غربی آغاز رشد و کسب شخصیت گذاشتند. در بیزانس (روم شرقی) وجود شهرهای بزرگ مانند قسطنطنیه، طرابوزان، انطاکیه، اسکندریه و غیره که اتکاء به فتودال‌های اطراف نداشتند، امری عادی بود. ولی در غرب تسلط با روستا، با دژهای فتودالی و سنیور و واسال‌های او در این دژ بود. از سده‌ی سیزدهم شهرهای آزاد یا کمون‌ها فزونی می‌یابند و شهرها نبرد سختی را با سنیورها و شوالیه‌ها که خود را اصیل‌زادگان و نجباء (نوبلس) می‌خواندند برای تثبیت خودمختاری خویش آغاز می‌کنند. در شهرهای ایتالیا، مانند فلورانس، ژن و ونیز مدت‌ها بود که بازرگانان نقش و حیثیت اجتماعی داشتند. در این قرن فلورانس نخستین سکه‌های طلا را به جای تفره ضرب می‌کند و در سال ۱۲۸۲ قانون "حق تقدم







صنعت و فن<sup>۳</sup> می‌گذرد که به‌موجب آن قشرهای فوقانی اصناف مانند بازرگانان بزرگ و دارندگان کارگاه‌های بافندگی و بانک‌داران در قدرت سیاسی شرکت داده شدند. در همین دوران شهرها (کمونها) برای تقویت نیروی پایداری خود علیه فئودال‌ها، اتحادیه‌هایی به‌نام "بوند" به‌وجود می‌آوردند تا بتوانند در صورت تجاوز فئودال‌ها متحداً مقاومت ورزند. بازارهای مکاره‌ی سالانه که در آن بازرگانان کالاهای خود را از گوشه و کنار اروپا عرضه می‌کردند از همین دوران پدید می‌آید.

جنگ‌های صلیبی که منجر به ایجاد "حکومت لاتینی اورشلیم" برای چند دهه شد و از ۱۰۹۵ آغاز شده بود، حتی در قرن سیزدهم، البته با حدتی به‌مراتب کم‌تر در چند موج ادامه داشت. این جنگ‌ها نزدیک به دو‌یست سال طول کشید و خود داستانی جداگانه دارد. دنباله جنگ‌ها تا سال ۱۲۹۱ یعنی سه سال پیش از مرگ راجر بیکن دوام یافت. این جنگ‌ها نقش خود را ایفاء کرد و اروپائیان را با تمدن بیزانس (که وی را کتاب‌دار شرق می‌گفتند) و تمدن اسلامی آشنا ساخت. رخنه‌ی آثار متفکران ایران و عرب مانند فارابی، ابن‌سینا (آویشن)، رازی (رازس)، ابن‌رشد (آوارره‌ئوس)، ابن‌هیثم (الهازن) و ابن‌جبرون

<sup>۳</sup>. Priori dell' Arti





## کتابخانه «به سوی آینده»

(ال گابریول) و غیره و آشنائی اروپائیان با متون فلاسفه یونانی، تکان نیرومندی در افکار ایجاد کرد و پیدایش بیکن و دوستانش محصول مستقیم این رخنه بزرگ فکری است. در این قرن است که برای نخستین بار آثار ارسطو از یونانی به لاتین ترجمه می شود. ابتدا ارسطو به فیلسوفی که دانشگاه مذهبی پاریس او را می پذیرد و سپس به فیلسوفی که از طرف همین دانشگاه طرد می شود، بدل می گردد. سرانجام ارسطو با نفوذ ژرف در سیستم الهیات قدیس تماس داکوئیناس (که در همین سده ی معاصر و هم درس راجر بیکن بود) جای خود را برای همیشه در مکتب "تومیس" یا تماس گرائی یعنی فلسفه رسمی آتی واتیکان، باز می کند و تعبیر ابن رشد از فلسفه ارسطو را (که نظر روشن بین ترین جوانان عصر را جلب کرده بود) به سایه ی تکفیر و مطرودیت می راند.

در این دوران تضاد مابین پاپها و پادشاهان اروپا، که همیشه وجود داشته، روبه شدت می گذارد و نبرد پرفراز و نشیب طولانی بین پاپ و پادشاه برای سیطره بر اروپا روبه اوج می رود. "امپراطوری رم مقدس" که پادشاهان آلمان پدید آورده





بودند، در همین عصر به برکت فردریک دوم از پادشاهان سلسله‌ی "هوهن‌شتاوفن"<sup>۴</sup> نخست به اوج می‌رسد ولی سریعاً راه حسیض و انهدام کامل را سیر می‌کند. پاپ از شر حمایت این امپراطوران ناخوانده رهایی می‌یابد.

در انگلستان انتشار فرمان "ماگناشار تالیبر تاتوم"<sup>۵</sup> که طبق آن فئودال‌ها و بخشی از بورژوازی دارای حقوق و امتیازات سیاسی و اجتماعی شدند و سپس افتتاح "پارلامنت" در سال ۱۲۶۵ منجر به پیدایش "سلطنت صنفی" شد. این گامی بود به سوی جلو و نظیر فرمان "حق تقدم صنعت و فن" در فلورانس، باید آنرا نخستین جوانه‌های محبوب قدرت گیری سیاسی بورژوازی دانست.

قرن سیزدهم قرن تشدید بی‌سابقه‌ی مبارزه غنی و فقیر و مبارزات فکری است.

<sup>۴</sup>.Hohen Staufen

<sup>۵</sup>.Magna Charta libertatum





## کتابخانه «به سوی آینده»

تفاوت فاحش فقر توده‌های بسیار وسیع مردم و از آن جمله روحانیون فقیر با اشراف فئودال، پادشاهان و شاهزادگان، پاپ و دربار واتیکان و کاردینال‌ها، به اندازه‌ای چشم‌گیر بود، که نمی‌توانست امواج خشم و پرخاش همگانی را بر نیانگیزد. در بی‌زانس دو الحاد مانوی مسلک به نام الحاد "پاولیکان" و الحاد "بوگومولتس" مدت‌ها بود وجود داشت و شاید اندیشه‌های مانوی همین الحاد (که جنگ شیطان و خدای اهریمن و یزدان را برجسته می‌کرد و همه قشرهای غارت‌گر و ستم‌گر فوقانی جامعه را جزء جنود شیطان می‌دانست)، بود که به غرب رخنه یافت. باری در قرن سیزدهم الحاد کاتارها (پاکیزگان یا پاک‌دینان)، الحاد آلبیزوآ (آلبها) و الحاد آمالریک در میان توده‌های ژنده‌پوش رخنه‌ای وسیع پیدا کرد و مایه‌ی شورش‌ها و عصیان‌ها و خونریزی‌های شد.

الحاد و آزاداندیشی، پاپ‌ها را به فکر تأسیس انگلیزیسیون (دستگاه تفتیش عقاید) افکند که از قرن سیزدهم آغاز شد و تا پانصدسال بعد، منشاء جنایات عدیده گردید. پاپ کشیش‌های فقیر و ژنده‌پوش دمی‌نیکن را (به‌اتکاء ایمان متعصبانه‌اشان) مأمور





## کتابخانه «به سوی آینده»

سرکوب خشن ملحدین و آزاداندیشان کرد. چون کلیسا از خونریزی بیزار بود، مفتشان پاپ ترجیح می دادند قربانی خود را بسوزانند! هزارها تن به صرف سوءظن در آتش سوختند. قاضیان پاپ می گفتند: " شما ای متهم می گوئید که هیچ گناهی ندارید، چه بهتر از این، در عوض با وجدان پاک و آسوده خواهید سوخت. " یا می گفتند: " ما فرصت جدا کردن گناه کار از بی گناه را نداریم. این کار را به جای ما، خدا در روز محشر انجام خواهد داد. نگران نباشید! "

این عصر، عصر پیدایش دانشگاه هاست که البته در پیوند کامل با کلیسیاها قرار دارد. در بولونی (در بورگوندی) و پاریس و آکسفورد و کمبریج و سالامانک و پراگ و کراکوی (سیلزی، لهستان) و غیره، دانشگاه هایی پدید می شود که در آن صرف و نحو زبان لاتین، الهیات، علوم ادبی، منطق، فن موسیقی، ریاضیات، هندسه (به معنای جغرافیا و طبیعیات) و هیئت و گاه شناسی و پزشکی و حقوق تدریس می شد. به ویژه دانشگاه پاریس از لحاظ تدریس الهیات شهرت داشت و در زمان بیکن





شخصی به نام اتین تامپیه،<sup>۶</sup> که به واتیکان بستگی داشت مدت‌ها "رکتور" و رئیس این دانشگاه بود و تکفیر ارسطو از شاهکارهای اوست. رونق شهرها موجب رونق معماری قصور و کلیسیاها نیز شد و زایش سبک معروف به "گوتیک" با شکوه و زیبایی هنرمندانه خاص خود، متعلق به این سده است. تا آن موقع سبک متداول، "رومی یا رمن" نام داشت و بناها از شادی و جلال سبک گوتیک عاری و تیره و بی روح بودند.

توجه راجر بیکن به علوم تجربی در این عصر تصادفی نبود. از طریق جنگ‌های صلیبی بسیاری از فنون عملی متداول در شرق، در اروپای غربی تداوم یافت و یا بسط و رونق تازه‌ای به خود گرفت. از آن جمله است کیمیا که بیکن تمام عمر بدان علاقه و اشتغال داشت. واژه‌ی کیمیا از یونانی "خمه‌یا" یعنی "فن مصری" آمده است. موافق این فن، عناصر و ترکیبات شیمیائی، "اصول" مجردی هستند که به کمک آن‌ها می‌توان به ساختن "حجر فلسفی" دست یافت. این حجر "حلال کل" است و قادر است همه‌ی فلزات خسیس و فرومایه را به نجیب یعنی طلا بدل کند. پاراسلسوس بنیادگذار شیمی نو، به این حجر

<sup>۶</sup> E. Tempier





## کتابخانه «به سوی آینده»

فلسفی یک نام شبه‌عربی "الکاهست!"<sup>۷</sup> داده است. به‌علاوه کیمیا مدعی بود که می‌تواند اکسیر اعظم بسازد که شفابخش همه‌ی دردهاست و ضمادی درست کند به‌نام "ضماد پرومته" که با سائیدن آن به پوست، بدن روئین و ناخلیدنی می‌شود و یا پیران را وارد "دیگ مه‌ده‌آ" کند و آن‌ها را از آن دیگ جوان بیرون بیاورد و یا گردی به‌نام "پاناسه" بسازد که دواي همه‌ی زخم‌هاست. توضیح آن‌که پاناسه (یعنی درمان‌بخش کل) گویا نام دختر اسکولاپی‌یوس خدای یونانی پزشکی است. کیمیا هم‌چنین از "سیب ملک‌احمد" (با اقتباس از الفلیله) که شمیم آن معجزه می‌کند و مرهم موسوم به "فی‌رابراس" سخن می‌گفت.

علاوه بر کیمیا انواع جادوگری‌ها نیز در این قرن، با رخنه از شرق، در اروپا مرسوم شد و راجر بیکن، علی‌رغم بی‌باوری کامل به آن‌ها، از آن‌ها اطلاع داشت. توجه راجر بیکن به کیمیا و تا حدی جادو<sup>۸</sup> ابدا ناشی از آن نبود که وی

<sup>۷</sup>. Alkahest  
<sup>۸</sup>. Magie





## کتابخانه «به سوی آینده»

خرافی می‌اندیشید. بیکن به تفکر منطقی و تعقلی باور داشت. بلکه آنچه که او را جلب می‌کرد لمس طبیعت، توسل به تجربه، گریز از تضاعیف کتب چرمینه جلد زردچهره، به دامن فراخ و خرم طبیعت بود. گوته در سیمای فائوست عطش این نخستین طبیعت‌آزمایان را نشان می‌دهد که پناه بردن‌شان به کیمیا و جادو، به سبب آنست که خزعبلات فلسفه‌ی "پاتریستیک" و "سکولاستیک"، عطش حق‌جوئی و رازیابی آن‌ها را فرو نمی‌نشانند.

در واقع راجر بیکن در عصر خود، دوران مداحان و داعیان کلیسیای مسیح (آپولوژتیک) و دوران پاتریستیک (نظریات آباء کلیسیا) را پشت سر نهاده، در مراحل اولیه‌ی دوران سکولاستیک (فلسفه‌ی مدرسی وابسته به کلیسیا) می‌زیست.

واژه‌ی پاتریستیک از "آباء کلیسیا" یا "Pateres ecclesiae" مشتق است و مربوط به زمانی است که در اثر کوشش داعیان اولیه، سرانجام کلیسیای مسیح پدید شد و نخستین آباء کلیسیا اصول آن را روشن ساختند و برخی از متفکران نیز در همین زمینه آثاری پدید آوردند. پاتریستیک با آثار تروتولین الهی (۱۵۰-۲۲۲) آغاز میشود. اورل اوگوستین (۳۵۴-۴۳۰)







و یوهان سکوت اریشن (۸۱۵-۸۷۷) از برجسته‌ترین نمایندگان آن هستند. ولی از زمان سنت‌انسلم از شهر کنترِبوری انگلستان (۱۰۳۳-۱۱۰۹)، دوران سکولاستیک آغاز می‌گردد، یعنی نظریات افلاطون، ارسطو، ابن‌سینا و ابن‌رشد به خدمت کلیسیا گرفته می‌شود.

پیر آبلار فرانسوی (۱۰۷۹-۱۱۴۲) یکی دیگر از آغازگران سکولاستیک که خواست ایمان را با منطق درآمیزد از طرف کلیسیا "دجال" و "شیطان" نامیده شد. ولی سکولاستیک راه خود را گشود و در زمان راجر بیکن بزرگ‌ترین نمایندگان آن، یعنی فیلسوف آلمانی آلبرت کبیر<sup>۹</sup> (۱۲۰۶-۱۲۸۰) و فیلسوف ایتالیایی سن‌تماس داکوئیناس<sup>۱۰</sup> شاگردش (۱۲۲۵-۱۲۷۴) مؤلف اثر معروف «جامع‌الهیات»<sup>۱۱</sup> که طی سال‌های ۱۲۶۹ تا ۱۲۷۲ نگارش یافته، می‌زیسته‌اند. سن‌تماس به‌علت معلومات و هوش و پرکاری و مرگ زودرس، محبوبیت و حیثیت بزرگی در واتیکان، دانشگاه پاریس و بین هم‌همی سکولاست‌ها کسب کرد و این

<sup>۹</sup>. Albertus Magnus Von Bollstätt

<sup>۱۰</sup>. Thomas d' aquinas

<sup>۱۱</sup>. Summa Thcologicae





امر کسانی مانند راجر بیکن را تا حد دیوانه شدن عصبانی می کرد. بیکن بارها به طلاب ساده اندیشی که تصور می کردند تماس، همه چیز را می داند و همه ی معضلات را حل کرده، با خشم و تندخویی خاص خود پاسخ می داد و می گفت: اسرار زیادی در طبیعت است که تنها تجربه می تواند حل کند.

شیوه ی سکولاستیک نوعی لفاظی (وربالیسیم) بود. سکولاستیک بر آن بود که حقایق برای همیشه از طرف انجیل و کلیسا کشف و حل شده و وظیفه ی فلسفه آنست که خادم کلیسیا باشد و این حقایق مکشوفه را منطقاً به اثبات رساند. سکولاستیک به مضمون مسائل کاری نداشت و کارش متوجه شکل دادن تعریف مفاهیم، تقسیم آن ها به انواع و اجناس، تبویب مسائل، بیان براهین، رد و قبول نشان دادن ضعف منطقی قیاسات طرف، عرضه داشت دلایل عقلیه و نقلیه بود. این شیوه ی پوچ، ناچار بحث های مضحکی را نیز پیش می کشید. مثلاً از بیزانس تا اروپای غربی این بحث رواج داشت که آیا آن موجودی که می گویند عیسی مسیح خلق کرده شب کور است و اگر شب کور است آیا چشم دارد و نخستین بار که خلق شد از کدام سو





## کتابخانه «به سوی آینده»

پرسید: مشرق یا مغرب؟ یا این که چون حضرت آدم از مشمیةی مادر خارج نشده و باری تعالی او را با گل آفریده، آیا در ساعت آفرینش چندساله بود. یا این که آیا باری تعالی که قادر مطلق است می تواند حجری بیافریند که خود نتواند آن را بلند کند که اگر بگوئید آری، کفر است زیرا انتساب عجز و فقدان قدرت است به باری تعالی (از جهت بلند کردن سنگ) و اگر بگوئید نه، باز هم کفر است زیرا انتساب عجز و فقدان قدرت است به باری تعالی (از جهت خلق سنگ). و از این قبیل بحثها که آنها را "کازوئیستیک" می نامیدند و وقت طلاب را می گرفت و عمرها را به بی حاصل هدر می داد، فراوان بود؛ و نظیر آنها در مدارس کشورهای اسلامی دیده و شنیده نشده است.

راجر بیکن با آن فراست شگرف و روح طاغی کسی نبود که درگیر این نوع مباحث بماند و از آن جایی که اهل "تدبیر" و خودسازی نبود، معلمان و شاگردان، همه از محتوی "الحاد آمیز" روحش خبر داشتند و عرصه را دم به دم بر او تنگتر می ساختند. پژوهندگان می گویند وی مردی چون آتش سوزاننده بود. ولی آیا او چه کسی بود؟





راجر بیکن در سال‌های ۱۲۱۰ تا ۱۲۱۴ در "درسدت شایر"<sup>۱۲</sup> از ایالت "سامرست" متولد شد و سپس به دانشگاه آکسفورد (که پس از دانشگاه پاریس، معتبرترین مؤسسه علمی دوران بود) برای تحصیل آمد. در آن ایام دو تن از فلاسفه نامدار انگلستان و اروپا یعنی ربرت گروسه‌تست<sup>۱۳</sup> و آدام دومارش<sup>۱۴</sup> این دانشگاه را رهبری می‌کردند. گروسه‌تست با تعلیم خود درباره‌ی "تابش نور الهی" (به‌عنوان یکی از منابع معرفت) و اهمیتی که به ریاضیات می‌داد و فیضان نور الهی را خودتابع قواعد ریاضی و هندسی می‌دانست، نخستین تأثیرات عمیق را در راجر بیکن جوان باقی گذاشت. گروسه‌تست، نقش تجربه و ریاضی را به شاگردش القاء کرد به نحوی که چون راجر بیکن به پاریس رفت و با محیط فلسفی آنجا آشنا شد، تا حد طغیان ناراضی گردید. پس از چندسال تعلیم در دانشگاه معروف پاریس (که در همان اوان تحت نظر پاپ اینوسان سوم و فیلیپ

<sup>۱۲</sup>. Dorset shire

<sup>۱۳</sup>. Grosseteste

<sup>۱۴</sup>. De Marsh





اوگوست شاه فرانسه به عنوان "جامع" کل مدارس که از صدسال پیش در این شهر دائر بود، تشکیل شده بود) بار دیگر به آکسفورد باز گشت.

در آکسفورد از سال ۱۲۵۱ تا ۱۲۵۷ مدت شش سال به معلمی پرداخت. در این ایام است که بیکن وارد سلک فرانسیسکن یا فرانسیسی ها می شود. نام این سلک راهبان فقیر مسیحی از سن فرانسوآ داسنیر (۱۱۸۲-۱۲۲۶) گرفته شده و در جزء فریق اخوان یا فرایارهاست<sup>۱۵</sup> که تعدادشان کم نیست و معروفترین آنها فرانسیسکنها و دمنیکنها هستند. فرقه‌ی فرانسیسکن در ۱۲۱۰ مورد تأیید پاپ اینوسان (اینوکتوس) سوم؛ در ۱۲۲۳ بار دیگر مورد تأیید پاپ هونوریوس سوم واقع شد. آنها را فرقه‌ی خاکسترپوش می نامیدند (اکنون قهوه‌ای پوش شده‌اند) و از همان آغاز با ثروت و مالکیت سرستین داشتند. افراد فرقه‌ی فرانسیسکن از فرقه‌ی دمنیکن که خادمان "تفتیش عقاید" بودند، خوششان نمی آمد. بیکن پس از ورود در فرقه‌ی فرانسیسکن، برای بار دوم به پاریس رفت.

<sup>۱۵</sup> -Friar





## کتابخانه «به سوی آینده»

در پاریس مابین او و پاپ کلمنت چهارم که زمانی حامی اش محسوب می شد، تصادم‌هایی پدید می آید و وی در بازگشت به آکسفورد، مورد سوءظن قرار می گیرد و به زندانی شدن محکوم می گردد. از سال ۱۲۷۸ تا ۱۲۹۲ در سیاه چال دیر فرانسیسکن به سر برد. وقتی از زندان بیرون آمد، پیری ناتوان و بیمار بود. دو سال بعد در گذشت و بدین سان عمرش به هشتاد یا حتی چیزی بیش از این رسید.

بیکن مانند استادش، تجربه را مادر علم می دانست. در بحث راجع به مفاهیم عام (ئونورسل‌ها) که در آن ایام در دانشگاه پاریس سخت بازارش گرم بود و الهیون را به دو بخش واقع‌گرایان (ره‌آلیست‌ها) و نام‌گرایان (نومینالیست‌ها) تقسیم کرده بود، وی جزء نام‌گرایان بود. واقع‌گرایان می گفتند که مفاهیم کلی (مانند مُثل علیای افلاطونی) واقعیت خارجی دارند ولی نام‌گرایان بر آن بودند که این مفاهیم جز نام‌هایی که انسان‌ها وضع کرده‌اند، چیز دیگری نیستند و اصل واقع، همان اشیاء جزئی و جداگانه است که حقیقی هستند. این بحث شباهت زیادی به بحث اصالت وجود و اصالت مهیت در فلسفه‌ی کلاسیک ما





## کتابخانه «به سوی آینده»

دارد و بحثی است بر خلاف جدال‌های معمول، به آن ایام، دارای محتوی؛ زیرا در واقع ره‌آئیست‌ها به اصالت مفاهیم معتقد بودند، و نومینالیست‌ها به اصالت اشیاء؛ یعنی در گفتگوی مربوط به تقدم شعور بر ماده، یا ماده بر شعور، این دو فرقه هر یک نظر خود را به‌سود یکی از این دو، پاسخ می‌دادند. بیکن بر "عینی بودن جزئیات" تکیه داشت و نه بر "ذهنی بودن امور کلی".

بیکن ابتدا قصد داشت اثری به‌نام «عمده‌الکتاب»<sup>۱۶</sup> بنویسد و در آن همه‌ی نظریات خود را بیان دارد ولی موفق نشد. در تدارک این کتاب چند کتاب نوشت که سده‌ها پس از او منتشر شد، به‌نام «کتاب اکبر»<sup>۱۷</sup> و «کتاب ثانی»<sup>۱۸</sup> و «کتاب اصغر»<sup>۱۹</sup> و «کتاب ثالث»<sup>۲۰</sup>.

<sup>۱۶</sup>.Opus Principiale  
<sup>۱۷</sup>.Opus Magus  
<sup>۱۸</sup>.Opus Secundum  
<sup>۱۹</sup>.Opus minus  
<sup>۲۰</sup>.Opus tertium





چنان که در گذشته نیز گفتیم راجر بیکن به کیمیا می پرداخت ولی به یک "ماده اولی" که فاقد کیفیت مادی باشد معتقد نبودند و اشیاء و ترکیبات را دارای کیفیت و خواص می دانست ولی نظریه‌ی اتمیستیک (جزء لایتجزی) و وجود خلاء را رد می کرد.

او برای حقیقت سه منبع قائل بود: مرجع (مانند پاپ)، احتجاج منطقی و تجربه و می گفت که تجربه یا درونی است و به صورت تابش نور الهی و شهود عرفانی درمی آید یا بیرونی است و جنبه‌ی تجربه حسی دارد.

درباره‌ی تابش نور الهی بیکن بر آن بود که این فیضانی است که دائمی است ولی گناه و آلودگی مانع آنست که در همه‌ی قلوب تجلی کند. این تجلی هم موجب کشف و شهود معرفتی است و هم منبع فضیلت و پارسائی اخلاقی. بیکن می گفت که تابش الهی نخست دل انبیاء بنی اسرائیل و سلیمان نبی را روشن ساخت و سرانجام کار به ارسطو و مقلد بزرگ او ابن سینا رسید.







بیکن برای ابن سینا احترام فراوانی داشت و در فلسفه‌اش نوعی التقاط از نظریات سنت‌اوستین و ارسطو و ابن سینا دیده می‌شود. یکی از پژوهندگان بیکن به نام جیل سن<sup>۲۱</sup> او را اوگوستینی ابن سینا نام می‌نامد.

راجر بیکن بر آن بود که در اثر ترجمه‌های غلط از یونانی به لاتینی که در آن ایام انجام گرفته بود، ارسطو بد فهمیده و تفسیر می‌شود. خود او گویا به زبان‌های عبری و یونانی آشنا بود. بیکن معتقد بود که چهار زبان فلسفی وجود دارد: عربی، عبری، کلدانی، و یونانی، اعتماد او تنها به بوئس<sup>۲۲</sup> از معلمان دانشگاه آکسفورد بود که به این‌سنه آشنائی داشت و مترجمان عهد خود مانند ژرار دو کره من<sup>۲۳</sup> . میشل اسکات<sup>۲۴</sup>، آلفرد انگلیسی (سیرشل)<sup>۲۵</sup> و هرمان آلمانی (موربکه)<sup>۲۶</sup> را افرادی

<sup>۲۱</sup>.Cilson  
<sup>۲۲</sup>.Boéce  
<sup>۲۳</sup>.Crémone  
<sup>۲۴</sup>.Scot  
<sup>۲۵</sup>.Sareshel  
<sup>۲۶</sup>.Mörbecke





## کتابخانه «به سوی آینده»

کم سواد می دانست که ترجمه‌هایی بس مغلوط کرده‌اند و نتوانستند معادل‌های لاتینی فصیحی برای اصطلاحات بجویند و گاه به لاتین عامیانه متوسل شده‌اند.

زبان و ریاضی دو افزار مهم معرفت در نزد بیکن است و این تصور درستی است که در نزد این راهب فیلسوف وجود داشت. ولی آنچه که بیکن را به‌ویژه بر سر زبان‌ها انداخت، اعتقاد او به معجزاتی است که "علوم تجربی" (این واژه را گویا نخستین بار خود راجر بیکن به کار برده است) می‌تواند به بار آورد و نظام اجتماعی مناسب با آنست که واقعاً سخنان او در این زمینه‌ها دارای خصلت و خشورانه است و شخص را به حیرت می‌افکند.

بیکن در رساله‌ای به نام «رساله‌ی برادر راجر بیکن درباره‌ی عمل سری فن و طبیعت و ناچیزی سحر و جادو»<sup>۲۷</sup> که تنها در سال ۱۶۱۸ به چاپ رسد، این پیش‌بینی‌های خود را مطرح می‌سازد.

<sup>۲۷</sup> «Epistola fratris Rogeri Baconis de Secreti Operibus artis et naturae et de nullitate magia»





## کتابخانه «به سوی آینده»

بیکن در این رساله می نویسد:

تجربه و علوم تجربی دارای سه فضیلت<sup>۲۸</sup> است نخست این که علم قطعی و روشن به دست می دهد، دوم آن که بر معرفت انسانی چیزهای نوی می افزاید، سوم آن که به شناخت گذشته و حال و آینده کمک می کند و می توان به کمک آن، ماشین های حیرت انگیز ساخت که شرایط زندگی انسانی را بسی دگرگون خواهد ساخت. مانند: "چراغ دائم سوز"، "مواد انفجاری"<sup>۲۹</sup>، "کشتی بدون پارو و شراع"، "مرکبی که به خودی خود و با سرعت کامل حرکت می کند."، "دستگاه پرنده"، "ماشین هایی که می توانند در آب غوطه زنند"، "پلهای بدون ستون" و غیره. این پیش بینی چراغ برق و دینامیت و کشتی بخاری و اتومبیل و هواپیما و زیر دریائی و پل معلق، پانصد الی ششصد سال پیش از تحقیق آنها واقعاً حیرت انگیز است!!

<sup>۲۸</sup>.Dignitates

<sup>۲۹</sup> - در همان ایام، راجر بیکن با باروت که اختراع آن با چینی هاست آزمون هایی را انجام می داده و توجهش به مواد انفجاری از همین جاست.





البته بیکن می‌خواست که پاپ با توجه به این علم جهان را به سود مسیحیت تسخیر کند و یک جمهوری مسیحی به وجود آورد که در آن قدرت، از همه پرسی مردم نشأت کند و باید گفت در واقع نیز این اختراعات در شرایط سرمایه داری تا حد زیادی به استعمار غرب مسیحی در آسیا و آفریقا و آمریکا کمک رساند. لذا در بالا گفتیم که یک جمهوری بورژوائی امروزی موافق الگوی غرب، آرزوی راهب قرون وسطائی بود، البته با رنگ مذهبی غلیظتری که وی جز آن نمی‌اندیشید و حتماً راهب فقربیشه اگر زنده بود، علیه ثروت بی حساب میلیاردرهای زمان ما خاموشی نمی‌گزید.

این بود شمه‌ای درباره‌ی زندگی و اندیشه‌ی راجر بیکن، کسی که معاصرانش او را "دکتر ستودنی"<sup>۳۰</sup> نام نهاده بودند و او را دانشمندترین فرد اروپا می‌دانستند و حال آن‌که او در دوران مهم‌ترین فلاسفه‌ی سکولاستیک مانند آلبرت کبیر و سن‌تomas داکوئیناس به سر می‌برد و با آلبرت کبیر (آلبرت فن‌بل شدت)<sup>۳۱</sup> با همهی حیثیت و صلابتش در افتاد و در عصر

<sup>۳۰</sup>.Leteur admirable

<sup>۳۱</sup>.Von Boll Siadt





## کتابخانه «به سوی آینده»

تاخت و تاز انگلیزیسیون، حتی گیوم دوستت آمور<sup>۳۲</sup> رئیس دانشگاه پاریس (۱۲۰۲-۱۲۷۲) (که از فلسفه‌ی ابن رشد دم می‌زد و اجراء وظیفه را از عبادات برتر می‌دانست و به تحریک پاپ الکساندر چهارم، ابتدا ممنوع‌الوعظ و سپس سوزانده شد) سخنان خویش را بی‌پروا گفت.

تقل از: بخش «مسائل جامعه‌شناسی» از کتاب «نوشته‌های فلسفی و اجتماعی»، اثر احسان طبری



<sup>۳۲</sup> - Guillaume de Saint-Amour وی مؤلف کتابی است به‌نام «عجائب زمان حاضر» به‌زبان لاتین (De periculis novissimorum temporum) که بعدها چاپ شد ولی در سال ۱۶۳۳ بار دیگر از طرف واتیکان ممنوع بودن آثارش تصریح گردید.





بشکنی ای قلم، ای دست، اگر پیچی از خدمتِ محرومان، سر





# «نوشته‌های فلسفی و اجتماعی»

(در دو جلد)

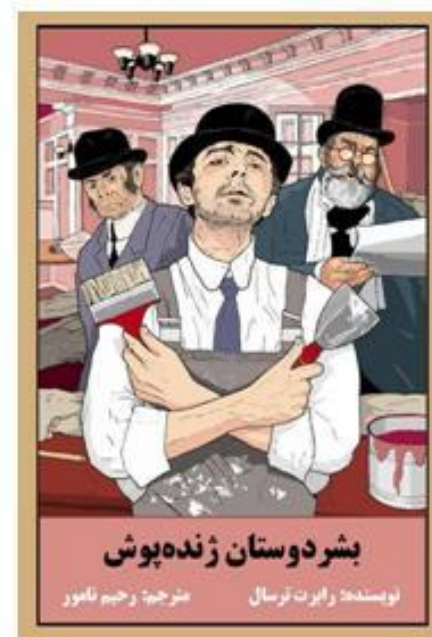
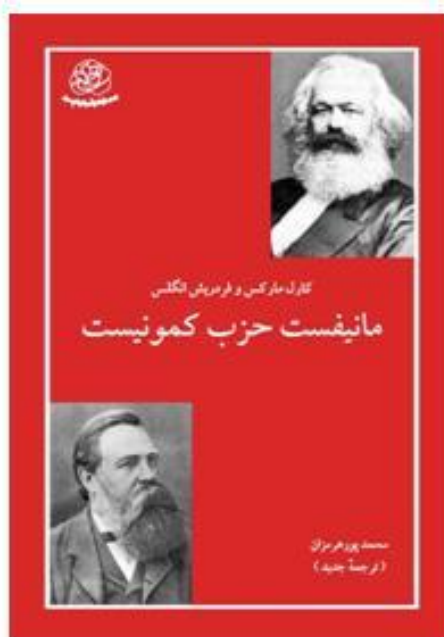
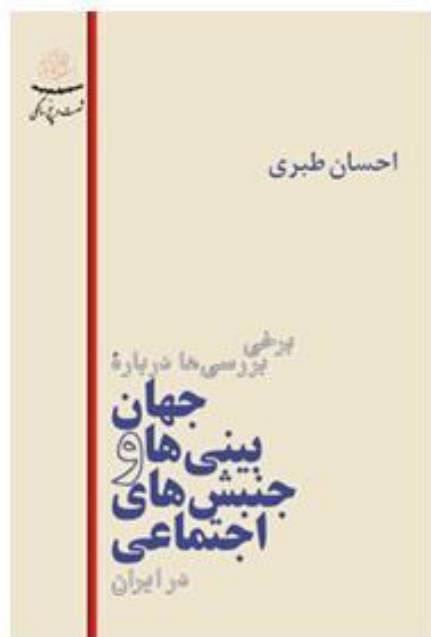
اثر گران‌بهای رفیق احسان طبری

در دست‌تهیه بوده و به‌زودی در دسترس دوستان قرار خواهد گرفت!

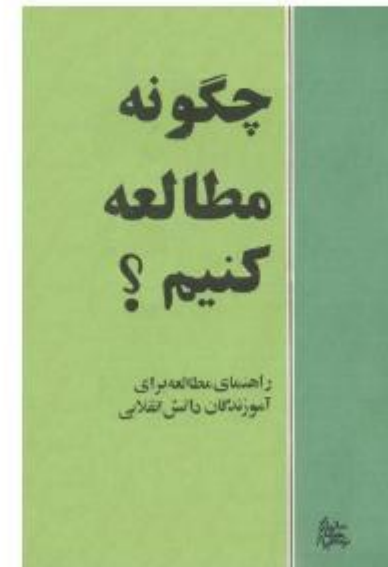




## کتاب‌هایی که حتماً باید خواند!







کتابخانه «به سوی آینده» در نظر دارد بخش اعظم کتاب‌هایی مندرج در کتاب‌های راهنمای مطالعه موسوم به «چگونه مطالعه کنیم؟» از انتشارات **سازمان جوانان حزب توده ایران** و «با کدام کتابها آغاز کنیم؟» از انتشارات **کانون دانش‌آموزان ایران** را در دسترس علاقمندان قرار دهد. ما را یاری کنید!





## کتابخانه «به سوی آینده»

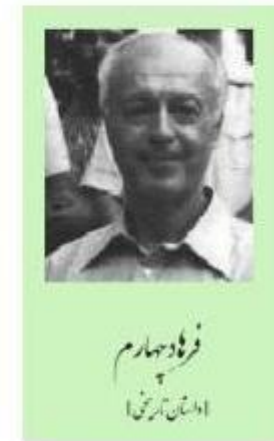
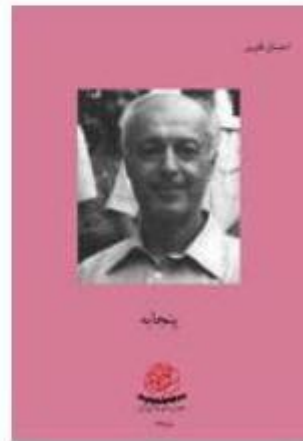
برای دریافت کتاب‌های زنده‌یاد رفیق احسان طبری به تارنگارهای زیر مراجعه کنید!

<http://www.tudehpartyiran.org>

۱- کتابخانه حزب توده ایران

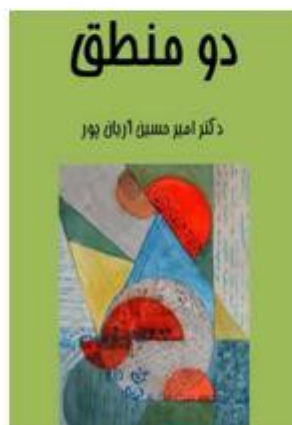
<http://tabari.blogspot.com>

۲- انجمن دوستداران احسان طبری





## کتابخانه «به سوی آینده»





روز اول ماه مه  
کارگران و زحمتکشان سراسر جهان  
همبستگی شکست ناپذیر خود را برای  
بدست آوردن حقوق حقه خود نشان میدهند.

حزب توده ایران



به مناسبت ۱۱ اردیبهشت، روز همبستگی زحمتکشان سراسر جهان



**خجسته باد هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران !**

